

صندلی بطلت!

صندلی بطلت!

علی لاریجانی با معوجات سیاسی‌اش نایاب مردی است که طفرمندان و یک تنه توانائی آن را پیدا کرده تا کرسی ریاست پارلمان ایران را مخنث نماید بشکلی که طی ۴ سال گذشته «بود و نبود» ریاست پارلمان در ایران علی‌السویه شده و یکی از اضلاع قوای سه‌گانه کشور عملاً و مدت‌ها است بی‌فروغ شده و به تعطیلات رفته!

این در حالی است که تا پیش از این و صرف نظر از مواضع و جهتگیری قابل مناقشه سخنگویان قبلی قوه مقننه در مجموع پارلمان ایران بنام افرادی نظیر هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و مهدی کروبی برنده شده بود.

علیرغم این اکنون علی لاریجانی سالها است که ریاست قوه مقننه را مخنث کرده بشکلی که دیگر کرسی ریاست پارلمان حتی جنبه نمادین نیز نداشته و به زائده‌ای حشو در ساختار قدرت ایران مبدل شده!

خسته نباشید جناب لاریجانی! میان این همه چیزها، کاش لااقل به چیزی بودید!

مهم نبود چه بودید یا راست. اصلاح‌طلب یا اصولگرا. فقط به چیزی باشید!

بقول بیدل دهنوی:

ز بس جوش مخنث می‌زند این عرصهٔ عبرت
زنان ریشی برون آرند تا پیدا شود مردی
#داریوش سجادی

اشغال دخمه شیطان

خمینی «برند» انقلاب اسلامی است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «این انقلاب بی نام خمینی در هیچ کجای جهان شناخته شده نیست». در سالگرد ۱۳ آبان و در پاسخ به دواعی آنانکه آمریکاستیزی را زائده وارده بر انقلاب اسلامی توصیف می‌کنند باید گوشزد کرد:

پدیده‌های سیاسی برخوردار از چگالی و توالی‌اند. نمی‌توان پدیده سیاسی را در سلول زمان حبس کرد. سیاست انباشت توالی رویدادهای

تاریخی است.

انقلاب اسلامی را نباید با سلائق و علائق و خوشآیند و ناخوشآیندهای شخصی مصادره بمطلوب کرد. انقلاب اسلامی انقلاب «خمینی» بود. خمینی، انقلاب اسلامی بود و انقلاب اسلامی، خمینی بود. کمال دغلبازی است منویات خود را بنام انقلاب اسلامی جعل کرده و نارفیکانه خاکستر بر چشم واقعیت باشید.

آمریکاستیزی برند «انقلاب خمینی» است. این برند در ۱۳ آبان ۵۸ مٌتَعین نشد و تسخیر سفارت آمریکا تنها این برند را متبلور کرد. ریشه آمریکاستیزی را در آبان ۴۳ و تصویب لایحه کاپیتولاسیون بکاوید که منجر به نهیب امام شد که بغض فرو خفته ایرانیان از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ۳۲ را ۱۱ سال بعد بدان گونه برونریخت کرد؛ ای سران اسلام، به داد اسلام برسید ... ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! ... امروز سر و کار ما با این خبیثهاست! با امریکاست. رئیس جمهور آمریکا بداند این معنا را که امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است ... تمام گرفتاری ما از این امریکاست! اطلاق انقلاب دوم به اشغال سفارت بدلیل جسارت چند جوان دانشجو در تسخیر آن سفارتخانه نبود. اقبال میلیونی مردم از تحقیر آمریکا بابت تحقیر پیشینشان از ناحیه سیاستهای ناصواب و مداخلهجویانه واشنگتن در ایران و وجد ملی از ناحیه تو دهنی خوردن آمریکا مبنای اعتبار «آمریکاستیزی» در انقلاب اسلامی امام بود و هست. چیستی آمریکاناستیزی؟

کراهتیون از استکبارستیزی خوبست قبل از چیستی آمریکاستیزی بکوشند آمریکاناستیزی مطمح نظرشان را معنا کنند!

ابراهیم اصغرزاده از حلقه اصلی دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا ۴۰ سال بعد از اشغال سفارت در توجیه چرائی استحاله خود و ندامتاش از اشغال سفارت ابراز داشته:

عینکی که سال ۵۸ بر چشم داشتیم سیاه و سفید میدید و یک گوشه دنیا را همه شر و پلشت و دشمن و یک طرف دیگر را همه فرشته و مظلوم و معصوم میدیدیم.

هر چند اصغرزاده می‌کوشد با چنان پاسخی بلوغ فکری خود در گذر زمان را دلالت کند اما ایشان به این نکته توجه ندارند که این

اصغرزاده‌ها باید که عوض شده‌اند و واقعیت کماکان ثابت مانده!

صرافت اصغرزاده تداعی‌کننده سماحت روژه گارودی دبیر کل وقت حزب کمونیست فرانسه در تبیین چرائی صیروت فرزندش از نوباوگی به میانسالی است که با صداقت اذعان می‌داشت:

پسر من اگر در ۱۸ سالگی کمونیست نباشد تعجب می‌کنم و اگر در ۳۰ سالگی هنوز کمونیست باشد تعجب می‌کنم!

به عبارت دیگر رفتار انسان تحت تراکنش محرک‌های محیطی و مستقل از ذات یک پدیده تابع اقتضای سن انسان است.

به تعبیر فیزیسین‌های فیزیک دیجیتال شنیدن شکستن صدای یک درخت در جنگل مشروط به وجود مستمع است و بدین منوال عالم واقعیات و تعین یافتن یک واقعیت در گرو موجودیت دو عامل معنادهنده و معناکننده آن واقعیت ثابت است.

واقعیت موجود آن است که انقلاب اسلامی به پشتوانه مبانی معرفت‌شناختی و برخورداری از عمق آنالیتیک، تکانش و رُمبشی ساختارشکنانه علیه مناسبات هژمونیک و یکجانبه‌گرایانه و متکبرانه امریکا بود.

همه استعداد و احتجاج مخالفین استکبارستیزی و یا به تعبیر بهتر همه اهتمام آمریکاناستیزان تلخیصی از کوفی مسلکی اقشاری است که انگشت ملامت خود را مشابه آمریکاناستیزان امروز متوجه فرزند رسول‌الله کردند و ایشان را احتراز می‌دادند از سرکشی در مقابل اتورितه فرزند ابوسفیان با این توجیه که زندگی نرمال و تعامل با ساختار اموی به عنوان نظام مقتدر و مستقر شرط بلاغت و عقلانیت است و پسندیده نیست با شاخ گاو گلاویز شد و مناسب است تن به مناسبات گاوسالار داد و ره چنان رفت که رهروان رفتند و «خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شدن» را مبنای تعامل با دنیا قرار دادند.

کوفی مسلکان خام‌اندیشانه بر این باورند که نزد کدخدا، آمریکاناستیزان مغضوب‌اند و آمریکاناستیزان محبوب!

برخلاف باورداشت کوفیان، در ترمینولوژی آمریکائی همه رعیت‌اند و برخی رعیت‌رانند! و آنانی رعیت‌رانند که در زمین کدخدا خوش‌رقص‌تراند!

#داریوش_سجادی ده

کاهنان سفاقت!

باستان‌گرایانی که از طریق نبش قبر در تاریخ و اندوسکوپي در پاسارگارد می‌کوشند شخصیت کوروشی را ماکروسکوپیک کنند تا از آن طریق بی‌شخصیتی میکروسکوپي خود را ما به ازا نمایند قرینه اصحاب حجتیه‌اند که به تعبیر مرحوم امام «دیروز مبارزه را حرام کرده

بودند و امروز انقلابی تر از انقلابیون شده» و همه نبوغشان ترویج فساد بمنظور تعجیل در ظهور منجی در آتیه‌ای موعود بود! درد هر دوی اینان بی‌قهرمانی، بحران هویت و فقد اعتماد بنفس است. چه جهد کوروش‌پرستان در «گذشته» و چه وجد منجی‌جویان حجتیه در «آینده» هر دو کوششی است در «حال» برای استتار انفعال رفتار و انحلال کردار «بی‌حالشان» در ناخودآگاه پنهان شان! امام وقتشان را گذاشته و سیزیفوار، قهرمان‌شان را یا در تاریخ گذشته و یا در جغرافیای آینده می‌کاوند؟! با این بی‌تابی‌های تصنعی تنها ناچالاکی و مغاک‌خواهی خود را ماستمالی می‌کنند.

#داریوش سجادی

عبور از اصلاحات

این واژه؛ نشان دهنده‌ی وضعیت فعلی اصلاح طلبانِ انحرافی است. چرا گفتم انحرافی؟! زیرا هر حزبی که بوجود می‌آید قطعاً دچار یک شاخه جریان انحرافی میشوند و اصلاح طلبان بعد از فوت مرحوم هاشمی رفسنجانی ناتوان شدند از ایجاد فضاهای جریانی و بدلیل

(۱) عدم تمرکز

(۲) سوء مدیریت

(۳) نداشتن برنامه منسجم

اذهان عمومی را بسمت رویدادهای کوچک اجتماعی مثل حضور زنان در ورزشگاه ها، دخترآبی،... و امثالهم سوئیچ کردند و مطالبات محقق نشده معیشتی طبق قول های بی پایه و اساس جناب آقای روحانی را کاور کردند.

خیلی ساده توضیح بدم خدمتون (در حوزه سیاست اول شک پیش میاد ، دوم اختلاف و در نهایت دعوا)

پس چهار سال اول دولت آقای روحانی شک و اختلاف بود
□ دقت بفرمایین

اختلاف نظر در برجام، FATF، سند ۲۰۳۰، حقوق های نجومی، شفافیت... در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی، شاهد دعوای سیاسی آنها هستیم. به این دلیل #اصلاحات هیچ برنامه ای برای معیشت مردم ندارد زیرا بشدت دچار دعوایها و اختلافات درون سازمانی خودشان شدند.

بنظر بنده دولت آقای روحانی همچنان در لذت ماه عسل شش ساله رأی آوردن و پیروزی در انتخابات هستند و دو سال پایانی هم قصد ندارند فکری به حال سفره های مردم کنند.

پرستو مروجی

طرح براندازی ایران

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/dcp_619b868dc382f2c8696d1fd76b51d4ac.mp4

..... پایان یک تراکنش!

یابش ابوبکر البغدادی و کشته شدنش توسط کماندوهای آمریکائی قبل از آنکه ارزش عملیاتی داشته باشد برخوردار از تراکنشی سیاسی است. حذف فرمانده داعش بوی یک معامله سیاسی را میدهد که میتواند موید تبادلی دو یا چند جانبه بین طرفهای درگیر در مناقشه خاورمیانه باشد.

قدر مسلم واشنگتن طرف اصلی چنین معامله خوش سودی میتواند باشد آن هم در موقعیتی که ترامپ از ناحیه ناکامی و ناکارآمدی در سیاست خارجی بشدت در مضیقه بود و اکنون با توسل به جنازه البغدادی میتواند و توانست وارितه و شوآفی مْهیج از توفیقی بزرگ در یکی از حوزه های سیاست خارجی آمریکا را کارناوال کند!

ظاهرا بعد از تصمیم ترامپ جهت خروج ارتش آمریکا از سوریه طرفین برای یک پاکسازی مرضی الطرفین به منظور جُرمشویی و پاک کردن «شواهد ایدائی» به توافق رسیدند و معامله بر سر البغدادی یکی از مفاد چنین توافقی میتواند باشد!

هر چند هلاکت البغدادی کمترین جای را تاسف ندارد اما عبرتی است برای دیگر پاپتهائی که مانند وی با توهم خویشباشی در زمین سیاستی

بازی می‌کنند که قواعدش را اصحاب قدرت تعریف کرده و همان اصحاب قدرت با تمام شدن تاریخ مصرف آن پاپت‌ها و در راستای تحصیل منویات خود ایشان را لامحاله «ریسایکل» (!) می‌کنند.

#داریوش سجادی
#ابوبکر البغدادی
#ترامپ
#داعش

بیستاره‌ها !

ابراهیم حامدی (ابی) آوازخوان خوش صدای نسل پهلوی در جدیدترین خوانش خود تحت عنوان «کوچه نسترن» جا علانه با تحریف تاریخ و ارائه تصویری ناراست از جنگ تحمیلی کوشیده «آب به تاریخ ببندد»! و ناجوانمردانه و لاکن ناکامانه تلاش کرده سیبزمینی صفتی خودآیشان در جنگ تحمیلی را با «شهیدرُ بائی» استتار نماید!

تلاشی نامنصور که از آن طریق تنها توانسته بی‌حظی خود و کلنی فارسی زبانان لوس‌آنجلس نشین از واقعیت‌های ایران نوین را عریان و هویدا کند!

جناب آقای حامدی!

هر چند جهدتان در تحریف تاریخ قابل فهم است لکن چنین جهدی لزوماً ماخوذ به نتیجه نیست.

پیش از شما و در اقدامی مشابه همسر رجب طیب اردوغان در سفر به ایالات متحده آمریکا کلاهبردارانه ضمن مصادره مولانا به عنوان شاعری اهل ترکیه (!) سه جلد ترجمه انگلیسی دیوان اشعار مولانا را در مقام پیشکش به «لورا بوش» همسر رئیس‌جمهور وقت هدیه کرد!

هر چند در همان زمان خطاب به رباب‌یاشگران مولانا گفتم گیریم مولانا را به دروغ بنام خود سند زدید لکن با کدام ترفندی توان آنرا خواهید داشت تا حلاوت اشعار فارسی مولانا را به انگلیسی معادل سازی کنید؟!

آن یکی شیر است اندر بادیه – و آن دگر شیر است اندر بادیه
آن یکی میلک (Milk) است اندر کالدرن (Cauldron)
و آن دگر لاین (Lion) است اندر دزرت (Desert)

جناب آقای حامدی!

امروز نیز خطاب به شما می‌گوییم:

مذبوحانه نکوشید بی‌فروغی آسمان بی‌ستاره خودآیتان را با مصادره «شهدای جنگ تحمیلی» مابه‌ازا کنید.

آن‌انکه کوشیده‌اید مصادره کنید همانانی بودند که جان عزیز خود را فدیّه باشندگی کشورشان کردند تا پاسداشت نباشندگی شماییان در کنار و جوار خود و کشورشان، کرده باشند!

کمال ناجوانمردی است وقتی همین جوانان در دفاع از دین و میهن و نظام و انقلاب و امام‌شان به جبهه‌ها هجوم بردند، شماییان با دریا دریا داعیه وطن‌پرستی تا عمق لس‌آنجلس گریختید و به این زبونی نیز بسنده نکرده و نارفیکانه با شش‌دانگ صدا در «نون و پنیر و سبزی» امام آن مجاهدان را با اتصاف «جادوگر شهر بد» نشسته‌ای بر منبر خون خواندید که رسالتی جز گردن زدن عشاق را بر عهده ندارد!

آقای حامدی

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر

حَیَوَان را خبر از عالم انسانی نیست

بوتیمارانۀ برای عشق مرثیه سروده‌اید و ناپاکانه و ناسپاسانه از دهان شهدای دفاع مقدس ابراز لحنیه فرموده‌اید که:

مادر نزار اسم من، اسم کوچۀ مونس بشه

وقتی عشق نمی‌تونه تویی کوچۀ پیدا شه

در حالی که «شیر زهله‌گان خمینی» با آونگ موسیقایی امام‌شان در جبهه‌ها رقص عشق می‌کردند آنگاه که امام‌شان به حلاوت و صلابت فرزندان‌ش را انگونه امامت و دلالت می‌کرد که:

برخی از جوانان مملکت در عنفوان جوانی عقال‌تمنیات دنیا را از پای حقیقت عشق برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان شتافتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند ... حال من خاکی در بند اول کتاب منیت خود مانده‌ام و از این قافله بانگ جرسی می‌شنوم.

جناب آقای حامدی

بقول فروغ تان: پرواز را بخاطر بسپار. پرنده مُردنی است!

شهدای جنگ تحمیلی دُرَدانه‌های ایران و فخر جهانند.

این دزدی است جناب حامدی!

رُبایش دُفینه‌ای که دلالت شجاعت و صلابت و حُریت و صداقت و پارسائی یک نسل است، سرقت نیست - جنایت است.

#داریوش سجادی

شاذیات دکتر روحانی!

آقای حسن روحانی در جدیدترین اظهارات خود در جمع دانشجویان ابراز داشته‌اند:

بیش از ۴۰ سال است هنوز به جواب روشن و قاطع نرسیدیم؛ عده‌ای می‌گویند تعامل سازنده با دنیا و عده‌ای هم می‌گویند تقابل مداوم ... استراتژی تعامل باشد یا تقابل؟ این مساله است. اگر در این مسائل به نتیجه نرسیدیم، باید همه‌پرسی از مردم را برگزار کنیم.

...

متأسفانه اظهارات فوق و برخلاف انتظار دلالتی است بر فقد بضاعت و حزم سیاسی نزد رئیس‌جمهوری که طی ۴۰ سال گذشته در بالاترین سطوح سیاسی و امنیتی کشور عهده‌دار مسئولیت بوده‌اند. جناب آقای روحانی!

کدام عقل سلیم و کدام سیاستمدار زبده و کدام ابجدخوان دنیای سیاست، خود و کشورش را در عرصه سیاست خارجی چنین نابلدانه که جناب‌عالی می‌اندیشید و می‌فرمائید، خلع سلاح می‌کند؟! متوجه فرمایش عوامانه خود هستید!

صورت ساده فرمایش جناب‌عالی بدان می‌ماند تا بگوئیم چه نیازی به دو دست داریم وقتی با یک دست هم می‌توانیم کارهایمان را انجام دهیم و پس بی‌آیم دست دیگرمان را قطع کنیم!

جناب رئیس‌جمهور تقابل و تعامل هر دو ابزارهای سیاست خارجی بوده که به اقتضا و حسب نیاز هر کدام در جای خود لازم بوده و در جای خود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

متوجه هستید که با منطق مَعْرُوج جناب‌عالی در مواجهه با تهاجم ارتش صدام به ایران لاجرم می‌بایست در فقد عنصر تقابل ذلیلانه متوسل به راهکار تعامل با دشمن متجاوز می‌شدیم؟!

جناب آقای رئیس‌جمهور کاش در تراز یک رئیس‌جمهور ابراز نظر بفرمائید!

#داریوش سجادی

اسپریم سالاری!

سلطنت‌طلبان از میانه اپوزیسیون برانداز و متنفر از جمهوری اسلامی کُ‌میک‌ترین و در عین حال رقت‌انگیزترین گروهی‌اند که قبل از فعالیت سیاسی مستحق روان درمانی کلینیکال‌اند!

فرقه‌ای که در قرن ۲۱ و در سپهر و فرآیند رشد و تَطَوُّر دانش و بینش بشری کماکان قائل به «اسپریم سالاری» است! و با این باور که: «احراز شانیت و احصای صلاحیت» و «مبنای حلول پادشاهی و استلزام جلوس بر مسند فرمانروائی» و «استحقاق خلعت صاحبقرانی» مَحُول به «اسپروما‌توزوئید» سلطان و انتقال بموقع آن «یاخته گداخته» به اعضاء و جوارح آن دَرْدانه و سلطان‌زاده بوده و با چنین پنداشت و باورداشتی «آستان‌بوس» و «یاخته‌دوست» نظام سلطنت می‌باشند!

کُ‌میک‌ترین بخش داستان آنجاست که فرقه مزبور مدعی است انقلاب اسلامی یک سناریوی آمریکائی بود و کاخ سفید در نشست گوادالوپ وقتی متوجه شد محمدرضا پهلوی می‌خواهد از آن به بعد «نفت را در اوپک گران کند» دستور عزل وی را دادند و این منوال نقطه آغاز زوال آن سلطان شد!

احتجاج سلطنت‌طلبان در حالی است که تا قبل از انقلاب اسلامی قیمت هر بشکه نفت تنها ۲ دلار بود و در ماجرای تحریم نفتی اعراب حداکثر به بشکه‌ای ۱۲ دلار رسید و سلطنت‌طلبان مزبور در الفبای احتجاج خود مانده‌اند که اگر شاه توسط آمریکا و به «جُرْم تمایل به افزایش قیمت نفت» ساقط شد پس چرا از فردای تاسیس جمهوری اسلامی قیمت نفت نه تنها کاهش نیافت بلکه بشدت افزایش پیدا کرد و دیگر هرگز به بهای نازل زمان سلطنت اعلی‌حضرت‌شان نرسید!

حال بگذریم از این نکته که اساساً چرا شاه‌شان برآمده از فرآیندی بود که واشنگتن به راحتی می‌توانسته ماندن یا نماندن وی در قدرت را با یک نشست و برخاست در گوادالوپ عهده‌داری کند!

اما مهم‌تر آنکه سلطنت‌طلبان مزبور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شال و کلاه کردند و رحل اقامت در جوار همان ایالات متحده افکندند و ۴۰ سال هم هست که علی‌رغم تحفظ غیظ و نفرت‌شان از آمریکای بزعم‌شان

«شاه‌خوار» باز هم کاسه گدائی نزد واشنگتن گرفته و از کاخ سفید
تکدی محبت و مطالبه شفقت بمنظور بازتولید سلطنت در ایران
می‌نمایند!

(از سلسله مقالات اپوزیسیون شناسی)

#داریوش سجادی

دستگیری روح الله زم

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_15-22_45_26_356_Tly.mp4